

**اقتصاد ایران:** نقش نفت را در شرایط جدید در بازی‌های سیاسی بین‌المللی چگونه ارزیابی می‌کنید؟  
در هفته‌های اخیر، نفت زیادی روی دریا مانده و گویا چین به دنبال آن است که از موقعیت استفاده کند و این نفت را به قیمت ارزان بخرد. همین موضوع نشان‌دهنده پدیده جدیدی است که نشان می‌دهد این کشور هماهنگی لازم را با ۷ کشور صنعتی ندارد و اگر چنین اتفاقاتی بیفتد از شکل‌گیری اجماع مشترک در مقابله با بحران جلوگیری می‌کند. از طرفی، اگر این نفت روی دریا به فروش نرسد، عرضه از تقاضا جلو افتاده و قیمت نفت کاهش می‌یابد که این خود نشانه خوبی نیست.

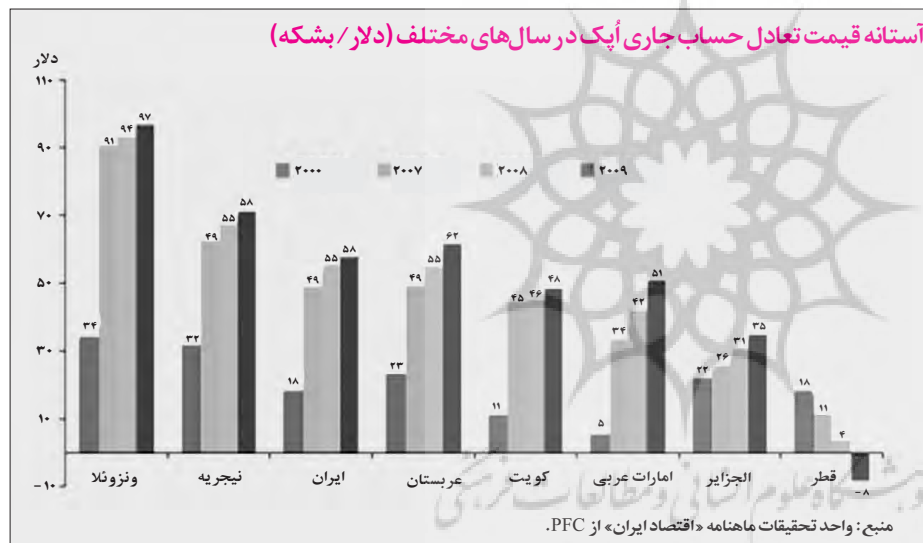
به دنبال این مسأله هستیم و در بین نخبگان سیاسی این امر را تشویق و ترغیب می‌کنم. البته باید بر این مبنا به توافق برسیم که چارچوب‌های دموکراتیک را می‌پذیریم و به آن تن می‌دهیم تا محصول انتخابات آینده، یک دولت کارآمد باشد. در غیر این صورت، قیافه دموکراسی گرفتن اما از مواهب دموکراسی استفاده نکردن، نمی‌تواند به توسعه یافتگی بینجامد.  
بنده بیش از آن که به دنبال طرح بحث کاندیداتوری باشم به دنبال این ایده هستم. دولت کارآمد، فردی نمی‌شود و فقط یک جمع می‌تواند این کار را انجام دهد

اقتصاد ایران: متشکریم. ■

### چشم‌انداز کشورهای عضو آپک از نگاه مؤسسه PFC

## در آستانه بی‌تعادلی

کاهش قیمت‌های جهانی نفت که یکی از نتایج بحران مالی اخیر آمریکا می‌باشد، خبر ناگواری است برای کشورهای آپک که متکی به درآمدهای نفتی هستند.



**اقتصاد ایران:** آیا این بحران روی جنگ در عراق تأثیر دارد؟  
البته آمریکا روی افغانستان و عراق مسؤولیتی را پذیرفته است که برای او هزینه دارد و باید این هزینه‌ها را از مالیات تأمین کند. وقتی رکود حاصل شود مالیات‌ها کاهش می‌یابند و کاهش درآمد مالیاتی آمریکا، منجر به کاهش تعداد سربازان آمریکایی در عراق و افغانستان می‌شود. به عبارتی، این بحران به صورت غیرمستقیم آمریکا را وادار به عقب نشینی خواهد کرد.

**اقتصاد ایران:** اگر این بحران روی کشور ما اثر بگذارد، آیا در ۸ ماه آینده سیاست‌های داخلی ما تغییر خواهند کرد؟  
مثلاً آیا ممکن است چهره کاندیداهای ریاست‌جمهوری عوض شود و جبهه‌های فکری جدیدی روی کار بیایند؟  
وضعیت اقتصادی، یکی از پارامترهای مهم تصمیم‌گیری مردم و جناح‌های سیاسی است و باعث تغییر و تحولات نظرات مردم در حوزه سیاسی خواهد شد. حال اگر این تغییرات مثبت باشند، روندهای گذشته تقویت می‌شوند و اگر این تغییرات منفی باشند، موجب تغییر در روندهای گذشته می‌شود و ممکن است روندهای جدیدی را شکل دهد.

**اقتصاد ایران:** با توجه به مطالب فوق، وضعیت آینده سیاسی کشور را چگونه ارزیابی می‌کنید و بفرمایید آیا خود حضرت‌عالی قصد اعلام نامزدی جهت پست ریاست‌جمهوری را دارید یا خیر؟

وقوع بحران‌های مالی و انتقال آن به کشور می‌تواند به تحول در حوزه اقتصاد بینجامد که طبیعتاً بر فضای سیاسی نیز مؤثر است. این در حالی است که متأسفانه در کشور، نهادهای دموکراسی مثل احزاب قوی و توسعه‌یافته نداریم و باید از سازوکارهایی استفاده کنیم که این امر تحقق یابد. نظر من تشکیل یک دولت ائتلافی کارآمد و متعهد است که آدم‌های کارآمد و متعهد دور هم جمع شوند. حتی ممکن است تعدادی از این افراد هم نامزدهای انتخاباتی باشند. یک گروه ۳ یا ۴ نفره، از بین خود یکی را انتخاب کنند و همه نیز داخل کابینه دولت شوند که وقتی مردم به ارزیابی کابینه می‌پردازند، چهره ۵ کاندیدای انتخاباتی را در آن ببینند. این تحول، یعنی تشکیل دولت کارآمد، می‌تواند به امر توسعه شتاب بخشد. من خودم

این کشورها برای آنان خطرناک باشد.  
از سال ۲۰۰۰، به جز قطر، آستانه قیمت (حداقل قیمتی که برای توازن تراز تجاری هر کشور مورد نیاز است) برای هر یک از کشورهای عضو آپک، با افزایش روبه‌رو بوده است. این افزایش‌ها انعکاس دهنده تورم بالاتر، فرسایش دلار آمریکا، مصرف داخلی بالاتر و از همه مهمتر، افزایش هزینه‌های دولت می‌باشد. لذا به وضوح می‌توان دریافت که کاهش قیمت نفت، کشورهای متکی به درآمدهای نفتی را با چالش‌های بزرگی مواجه خواهد کرد. این همان عاملی است که منجر به حمایت ایران، عربستان و ونزوئلا از افزایش قیمت نفت شده است.

افزایش چشمگیر هزینه‌ها در عربستان از سال ۲۰۰۰، هنوز نتوانسته دولت عربستان را نسبت به افزایش ارزشهای نفتی خود متقاعد کند و روند کسب درآمدهای بالاتر، علیرغم تأثیر شدید ذخایر این کشور بر هزینه‌های سرمایه‌گذاری ثابت، همچنان ادامه دارد. ◀

مؤسسه «پی‌اف‌سی انرژي» با بررسی شرایط اقتصاد کلان کشورهای عضو آپک در گزارشی بیان می‌کند که کلیه اعضای آپک، به منظور تراز کردن حساب جاری پرداخت خود نیازمند قیمت‌های بالاتر نفت هستند. برای سال ۲۰۰۸ ونزوئلا به منظور دستیابی به تراز حساب جاری، نیازمند دریافت قیمت هر بشکه نفت در حدود ۹۴ دلار می‌باشد، در حالی که این قیمت برای امارات در حدود ۴۲ دلار برای هر بشکه است. این قیمت در مقایسه با سال ۲۰۰۰ که ابوظبی به منظور تضمین ثبات اقتصاد کلان، تنها به قیمت هر بشکه ۵ دلار نیاز داشت، اختلاف شدیدی را نشان می‌دهد. در عین حال نیاز کشورهای الجزایر و قطر کمتر از این میزان، یعنی به ترتیب ۳۱ دلار و ۴۰ دلار در هر بشکه می‌باشد. این بررسی‌ها بیانگر این حقیقت تلخ است که کاهش قیمت‌های نفت که به نظر می‌رسد گزینه اول نفوذ بحران مالی آمریکا به اقتصاد کشورهای نفتی است، تا چه حد می‌تواند با تأثیر برتر از حساب جاری

## پرسمان «اقتصاد ایران»

## دفاع؟ حمله!

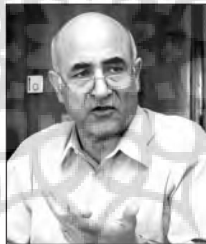
صاحب‌نظران از بحران مالی و اقتصادی جهان، تهدیدها و فرصت‌های ایران می‌گویند.

مسئله بحران مالی - اقتصادی آمریکا که مدتی است موضوع داغ محافل اقتصادی جهان شده، عکس‌العمل‌های مختلفی را بین دولتمردان جهان برانگیخته است. توجه به ابعاد پیدا و پنهان بحران مذکور و اثرات بالقوه و بالفعلی که می‌تواند بر اقتصاد کشور ما بگذارد، ما را بر آن داشت، طی یک پرسمان از استادان و کارشناسان و صاحب‌نظران امر، به بررسی این موضوع بپردازیم که سؤالات آن بدین ترتیب می‌باشند:

- ۱) مهمترین تهدیدها و آسیب‌پذیری‌ها را در جریان بحران مالی جهان، برای کشورمان چگونه ارزیابی می‌کنید؟
- ۲) چه فرصت‌هایی را می‌توان در کوتاه‌مدت و احياناً در صورت ادامه بحران در بلندمدت برای کشور متصور شد؟
- ۳) راهکارهای پیشنهادی شما یا مکانیزم‌های دفاعی ایران برای مقابله با تهدیدهای جهانی ناشی از بحران‌های مذکور چه می‌باشند؟

دقیقاً در نقطه مقابل، هزینه‌ها در ایران و ونزوئلا به طور گسترده‌ای برنامه‌های مردم‌گرایانه را تقویت کرده است، در حالی که ذخایر رسمی به مقدار بسیار کمی افزایش داشته و حتی با کاهش مواجهه بوده‌اند. نتیجه این که ایران و ونزوئلا به دلیل آسیب‌پذیری اقتصادی خودشان به تعدیل افزایش قیمت‌ها روی آورده‌اند که باعث شده این دو کشور به شدت در معرض خطرات ناشی از کاهش قیمت در بازارهای جهانی قرار بگیرند.

این مسأله برای ایران مستقیماً به انتخاب تصمیمات ضعیف در سیاست‌های اقتصادی منجر شده است. ناتوانی در ادامه تأمین هزینه واردات بنزین، منجر به برنامه نامنظم سهمیه‌بندی این محصول در سال ۲۰۰۷ شد و در سال جاری نیز تلاش برای کاهش یارانه گازوئیل ضروری به نظر می‌رسد. اگرچه یارانه گازوئیل از نظر سیاسی، نسبت به بنزین از حساسیت کمتری برخوردار است، اما برای اقتصاد وسیع‌تر بسیار مهمتر است و اگر تلاش‌ها با مدیریت غلط مواجه شوند، خطرات را افزایش می‌دهند. امارات عربی متحده، کشوری که کمترین بار مالی را در بخش نفتی خود دارد، نیازمند آستانه قیمت هر بشکه ۴۲ دلار از نفت است که این مقدار نسبت به سال ۲۰۰۰ تنها بشکه‌ای ۵ دلار افزایش داشته است. این رشد به علت افزایش مصرف داخلی نفت و فرآورده‌های تصفیه شده و همچنین توسعه اقتصادی شدید می‌باشد که به یک جهش اقتصادی در مصرف خصوصی کالاهای وارداتی منجر شده است. فرونشستن نرخ رشد اقتصادی امارات نشان‌دهنده یک آستانه قیمت پایین‌تر است، اما پی‌اف‌سی انرژی پیش‌بینی می‌کند، این آستانه به بیش از ۵۱ دلار در هر بشکه در سال ۲۰۰۹ افزایش پیدا کند. علاوه بر این، آستانه قیمت در این مرحله باید ادامه یابد تا سیاست‌گذاران امارات بتوانند مشکلات ناشی از مصرف بالاتر را کنترل کنند، گرچه کنترل تورم خود به قدر کافی مهمترین چالش اقتصادی خواهد بود.



## فرصتی برای تعامل با دیگران

دکتر پرویز عقیلی کرمانی  
مدیر عامل بانک کارآفرین و عضو شورای  
سیاست‌گذاری ماهنامه «اقتصاد ایران»

این که دست کشورهای خارجی، به دلیل بحران فعلی تقریباً خالی است، این کشورها می‌توانند به بخش‌های مختلف، اعم از پتروشیمی و سایر صنایع هجوم آورده و انجام کارهای عقب افتاده کشور تسریع شود. البته این به معنی بی‌اثر شدن تحریم‌های بین‌المللی نیست. چراکه وقتی از حجم منابع ارزی کشور کاسته شود - بفرض هم اگر تحریم‌ها را بخواهیم بی‌اثر کنیم یا آن را دور بنزیم - این حرکت مبالغه‌معتناهایی هزینه ارزی برای کشور در پی خواهد داشت و آزادی عملی که در زمان نفت ۱۴۰ دلاری داشتیم دیگر نخواهیم داشت. بنابراین لازم است با دنیا کنار بیاییم تا بتوانیم از این فرصت که دنیا نمی‌تواند با کشورهای دیگر کار کند، استفاده کرده و کشورهای جهان را به سمت خود جلب کنیم.

● یکی از راه‌ها، استفاده از مالیات، مانند مالیات بر ارزش افزوده است. بخشی از بودجه باید از این طریق تأمین شود. اتکا به درآمد نفت در بودجه باید با مالیات، کوچک کردن حجم دولت و غیره کاهش یابد. نباید به خارج متکی باشیم بلکه باید جلوی واردات غیرمعقول را بگیریم، سوبسیدهای زاید را برداریم و درآمدهای بودجه را بالاتر برده و هزینه را تا آن جا که امکان دارد، کاهش دهیم. تأثیر این بحران، تنها بر روی درآمدهای نفتی کشور است، چراکه آن قدر وابستگی به خارج از کشور نداریم که سیستم بانکی ما از نتایج آن متأثر شود. در حوزه خطوط اعتباری هم می‌دانیم که به دلیل تحریم‌ها، مشکلاتی داشتیم و حتی قبل از بحران هم کسی با دست و دل بازی با ایران رفتار نمی‌کرده که الان ناراحت خطوط اعتباری باشیم. ■

● با اتفاقی که این روزها تحت عنوان «بحران مالی» در جهان به وقوع پیوسته، احتمالاً رکود طولانی مدتی را شاهد خواهیم بود و چه بسا بحران مذکور تا ۲ سال نیز طول بکشد. اگر چنین اتفاقی رخ دهد، درآمدهای ارزی کشور به دلیل کاهش قیمت نفت، پایین خواهند آمد. این مهمترین تهدید برای کشور ما است. چراکه زندگی مردم کشور از محل درآمدهای حاصل از فروش نفت تأمین می‌شود؛ از بنزین گرفته تا واردات کالاهای مورد نیاز، همه به نفت وابسته‌اند.

● با توجه به حجم رکودی که ملاحظه می‌کنیم، آمادگی زیادی در کشورهای دیگر برای افزایش تعامل با کشور ما ایجاد خواهد شد. اگر ما بتوانیم، با سیاست‌های درست با این کشورها کنار بیاییم، می‌توانیم از این فرصت‌ها استفاده کنیم. بنابراین یک موقعیت استثنایی به وجود آمده که ما می‌توانیم ظرف ۲ سالی که دنیا با رکود مواجه است، بسیاری از کارهایی را که به سال‌ها زمان احتیاج دارد، ظرف این دوره کوتاه انجام دهیم. با توجه به

شرکت نفت کویت اخیراً اعلام کرده است که قصد دارد به منظور افزایش میزان تولید و ظرفیت پالایشگاهی، ۵۱ میلیارد دلار هزینه کند که از این مقدار، سهم عمده‌ای به تولید پایین دست صنعت نفت اختصاص خواهد یافت. این بدین معنی است که بیشتر نفت تولیدی داخلی به فعالیت‌های پایین دست معطوف خواهد شد و بنابراین کویت برای نفت باقی مانده که صادر می‌شود به قیمت‌های بالاتر نیاز خواهد داشت. شرکت‌های ملی نفت کشورهای عضو اُپک، در اکثر موارد تعهد دارند که هم اصلی‌ترین منبع درآمد باشند و هم بر عملیات بالادست تسلط داشته باشند. آستانه قیمت بالای مورد نیاز برای نفت صادراتی این شرکت‌ها، بر آنها فشار بیشتری وارد می‌کند تا این که بخواهند برنامه‌های توسعه ظرفیت را برای این که هم صادرات و هم مصرف داخلی را در خود جای دهند، به اجرا در آورند. ■